آثار و سیمای پیشوای نهم (ع)

<"xml encoding="UTF-8?>

دورنما

آنچه می خوانید، فشرده ای از زوایای حیات پربار جوان ترین پیشوای هدایت، نهمین مقتدای مکتب امامت، حضرت جوادالائمّه علیه السلام است.
زندگی کوتاه آن امام همام، که با مشکلات فراوان توأم بود؛ در بخش های ذیل قابل بررسی است:
1. از تولّد وی تا شهادت پدرش (195ـ 203 ه .) .
2. دوره امامتش (203 ـ 220 ه .) ؛
این بخش، در دو مرحله قابل طرح است:
الف) عصر مأمون عباسی (203ـ 218 ه.) ؛
ب) زمان معتصم عباسی (218 ـ 220 ه.) .

تولّد و شهادت

مورّخان در تاریخ تولّد امام جواد علیه السلام ، اختلاف دارند؛ عده ای میلاد آن حضرت را دهم رجب، برخی 15 ماه رمضان و بعضی نیز 19 ماه رمضان سال 195 ه . در شهر مدینه می دانند. 1
پدر بزرگوار جواد الائمّه علیه السلام ، امام رضا علیه السلام می باشد؛ شخصیت ارجمندی که میزان فضایل و حیطه حیات علمی، عبادی و دینی اش، برکسی پوشیده نیست.
مادر امام جواد علیه السلام ، بانوی گرامی و پاکدامنی بود به نام «سبیکه» (سکینه) و به روایت دیگر «خیزران» .
آن بانوی مؤمنه به خاندان شایسته امّ المؤمنین «ماریّه قبطیّه» 2 تعلّق داشت. بعضی ها نام وی را «ریحانه» و «درّه» نیز گفته اند. 3
امام جواد علیه السلام بعد از 25 سال زندگی افتخارآمیز، سرانجام در آخر ذیقعده سال 220 ه . با تحریک معتصم عباسی و به وسیله همسرش امّ الفضل مسموم و به شهادت رسید. بدن مطهّرش در گورستان قریش در بغداد، کنار قبر جدّ بزرگوارش امام کاظم علیه السلام ـ کاظمین ـ به خاک سپرده شد. 4

سخنان آغازین

امام جواد علیه السلام در روز سوم میلادش؛ لب به سخن گشود و بعد از حمد و ستایش خداوند متعال، به پیامبراکرم و خاندان عترت علیهم السلام درود فرستاد.
از حکیمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام ، آن بانوی متدیّن و شایسته، که سرپرستی امور تولّد امام جواد علیه السلام را به عهده داشت، نقل شده است که گفت:
. . . امام جواد علیه السلام بعد از تولّد، فرمود: «اشهد ان لا اله الاّ اللّه و انّ محمّداً رسول اللّه.»

و در روز سوم بعد از میلادش فرمود: «الحمد للّه و صلّی اللّه علی محمّد و علی الائمّة الرّاشدین.»
و نیز افزود: در روز سوم تولّدش، چشمانش را گشود و به سوی آسمان چشم دوخت و سپس به سمت راست و چپ نگاه کرد. آنگاه فرمود: «أشهد ان لا اله الاّ اللّه، و أشهد انّ محمّداً رسول اللّه» ؛ از دیدن حالت های وی تعجب کردم و هنوز در عالم شگفتی فرو رفته بودم که پدرش امام رضا علیه السلام آمد. به آن حضرت گفتم: از چیزهایی که از این کودک شنیدم، به شگفت آمده ام! پرسید: چه چیز شنیده اي؟ آنچه دیده و شنیده بودم، برایش تعریف کردم. حضرت فرمود:
«یا حکیمة! ماترون من عجائبه اکثر؛ ای حکیمه! شگفتی هایی که بعد از این، از او خواهید دید؛ بیشتر از آنچه تاکنون دیده اید، خواهد بود.» 5

القاب، کنیه و نقش انگشتر

برای پیشوای نهم، القاب متعدّدی ذکر کرده اند؛ مهم ترین آنها عبارتند از:
جواد؛ تقي؛ مرتضي؛ قانع؛ رضي؛ مختار؛ باب المراد؛ زكي؛ متوكّل؛ منتجب6.
کنیه آن حضرت «ابوجعفر» می باشد که معمولاً در روایات تاریخی به «ابوجعفرثاني» معروف است تا با «ابوجعفر اوّل» ، یعنی امام باقر علیه السلام اشتباه نشود.
نقش انگشتر آن امام همام، «العزّة للّه» بود. 7

از نگاه دانشمندان اهل سنّت

سیمای پرفروغ و عالمتاب امام جواد علیه السلام نه تنها شیعیان را شیدای جمال و جلال خویش ساخته، که دانشمندان اهل سنّت را نیز از سکوت و خاموشی رهانیده است. آنان در منابع تاریخی و حدیثی خویش، به قدر ایمان و معرفت خود، زبان به حقیقت گشوده اند و شخصیت آسمانی پیشوای نهم شیعیان را چنین به تصویر کشیده اند:
1. سبط ابن جوزی حنفی (متوفّای 654 ق.) :
«و محمد، الامام ابوجعفر الثانی کان علی منهاج أبیه فی العلم و التقی و الزهد و الجود. . . و کان یلقّب بالمرتضی والقانع. . .» . 8
2. کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (متوفّای 652 ق.) :
«. . . و ان کان صغیر السّنّ فهو کبیرالقدر، رفیع الذّکر. . .» . 9
3. شمس الدّین ذهبی (748 ق.) :
«کان محمّد یلقّب بالجواد و بالقانع والمرتضی، و کان من سروات آل بیت النبی صلی الله علیه و آله وسلم . . . و کان أحد الموصوفین بالسّخاء فلذلک لقّب الجواد. . .» . 10
4. ابن صبّاغ مالکی (متوفّای 855 ق.) :
«و هو الامام التّاسع. . . عرف بأبی جعفرالثانی، و ان کان صغیرالسّنّ فهو کبیر القدر، رفیع الذّکر، القائم بالامامة بعد علیّ بن موسی الرّضا. . . للنصّ علیه والاشارة له بها من أبیه کما أخبر بذلک جماعة من الثّقات العدول» . 11
5. عبداللّه بن محمّد بن عامر شبراوی شافعی (متوفّای 1154 ق.) :
«. . . و کراماته رضی اللّه عنه کثیرة و مناقبه شهیرة، ثمّ ذکر بعض مناقبه و ختم حدیثه بقوله: و هذا من بعض

کراماته الجلیلة و مناقبه الجمیلة» . 12

در طاعت کردگار

امام جواد علیه السلام عابدترین فرد زمانش بود. محبّت و علاقه اش نسبت به باریتعالی وصف نشدنی و خوف، خشوع و اخلاصش در طاعت و عبادت خداوند ستودنی است. برای ترسیم جلوه های عبادی آن حضرت، به چند نمونه بسنده می کنیم:

الف) نماز

امام جواد علیه السلام علاوه بر عبادات و نوافل معمول، نافله مخصوصی داشت. نافله آن حضرت دو رکعت بود؛ در هر رکعت، سوره فاتحه را قرائت می نمود و آنگاه هفتاد مرتبه سوره اخلاص را تکرار می کرد. 13

هرگاه وارد ماه جدید می شد، در روز اوّل ماه، دو رکعت نماز به جای می آورد؛ در رکعت اوّل، بعد از سوره حمد، به تعداد روزهای ماه (30 مرتبه) سوره توحید را می خواند. در رکعت دوم بعد از حمد، سوره انّاانزلناه را مثل رکعت اوّل تلاوت می کرد. 14

ب) روزه

روزه های مستحبّی آن حضرت نیز زیاد بود. پانزدهم و بیست و هفتم ماه رجب روزه می گرفت. اهل خانه و غلامانش نیز او را در روزه گرفتن همراهی می کردند. 15

علاوه بر این، گاهی میزان عبودیت و بندگی خویش را نسبت به مقام لایزال الهی با اذکار و ادعیه ابراز می نمود. برخی از مناجات و ادعیه آن حضرت عبارت است از:

الف) در حال قنوت

«اللّهمّ أنت الاوّل بلا اوّلیّة معدودة، و الآخر بلا آخریّة محدودة، أنشأتنا لا لعلّة اقتساراً، واخترعتنا لا لحاجة اقتداراً، و ابتدعتنا بحکمتک اختیاراً، و بلوتنا بأمرک و نهیک اختباراً، و ایّدتنا بالآلات، و منحتنا بالأدوات، و کلّفتنا الطّاقة، و جشمتنا الطّاعة، فأمرت تخییراً و نهیت تحذیراً، و خوّلت کثیراً، و سألت یسیراً، فعصی أمرک فحلمت، و جهل قدرک فتکرّمت. . .» 16

ب) بعد از نماز

«رضیت باالله ربّاً، و بالاسلام دیناً، و بالقرآن کتاباً، و بمحمّد نبیّاً، و بعليٍّ ولیّاً، والحسن، والحسین، و عليّ بن الحسین، و محمّد بن عليّ، و جعفر بن محمّد، و موسی بن جعفر، و عليّ بن موسی، و محمّد بن عليّ، و عليّ بن محمّد، والحسن بن عليّ، و الحجّة بن الحسن بن عليّ، أئمّةً.

اللّهمّ ولیّک الحجّة فاحفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحته، وامدد له فی عمره، و اجعله القائم بأمرک، المنتصرلدینک و أره ما یحبّ و تقرّبه عینه فی نفسه و فی ذرّیته و أهله و ماله و فی شیعته و فی عدوّه، و أرهم منه ما یحبّ و تقرّبه عینه، واشف به صدورنا و صدور قوم مؤمنین.» 17

ج) برای برآورده شدن حاجت

راوی می گوید: نامه ای خدمت امام جواد علیه السلام فرستادم. در آن نامه، از حضرت تقاضا کرده بودم که دعایی برایم یاد بدهد. آن حضرت این گونه برایم نوشت:

تقول اذا اصبحت و أمسیت: «اللّه اللّه اللّه، ربّی الرّحمن الرّحیم، لا اشرک به شیئاً» و ان زدت علی ذلک فهو خیر، ثمّ تدعو بما بدأ لک فی حاجتک، فهو لکل شی ء باذن اللّه تعالی، یفعل اللّه ما یشاء. 18

اصحاب و شاگردان

امام جواد علیه السلام با توجّه به اینکه در سنّ جوانی به شهادت رسیدند، در عمر کوتاه و با برکت خویش علاوه بر انجام وظایف سنگین رهبری امّت، به تربیت شاگردانی که بتوانند پیام آسمانی خاندان نبوّت و امامت را به نسل های بعد منتقل سازند، توجّه خاص داشت.
دانشمندان علم رجال و تراجم، تعداد یاران و شاگردان امام جواد علیه السلام را 110 نفر ذکر کرده اند. 19 اسامی برخی از آن چهره های تابناک، بدین قرار است:
«حسین بن سعید اهوازی، حسن بن سعید اهوازی، محمد بن اسماعیل بن بزیع، احمد بن أبی عبداللّه برقی، علی بن مهزیار، صفوان بن یحیی، عبداللّه بن صلت، علی بن اسباط، ابراهیم بن أبی محمود خراسانی، ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن محمد بن أبی نصر بزنطی کوفی، احمد بن معافی، جعفر بن محمد بن یونس احول، حسین بن بشار مداینی، حکم بن علیاء اسدی، حمزة بن یعلی اشعری قمی، داود بن قاسم بن اسحاق بن عبداللّه بن جعفر بن ابی طالب، صالح بن محمد همدانی، عبدالجبّار بن مبارک نهاوندی، زکریّا بن آدم، عبدالعظیم بن عبداللّه بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن أبی طالب، عثمان بن سعید عمری، علی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین، علی بن بلال بغدادی، فضل بن شاذان بن خلیل ابومحمّد ازدی نیشابوری، محمد بن عبدالجبّار، ابوعلی محمد بن عیسی بن عبداللّه بن سعد بن مالک اشعری، نوح بن شعیب بغدادی، یعقوب بن اسحاق سکیت (ابویوسف) ، ابویوسف الکاتب یعقوب بن یزید بن حمّاد انباری، ابوالحصین بن الحضین الحضيني» . 20

انوار هدایت

در منابع تشیّع و تسنّن، از امام جواد علیه السلام حدود 250 گوهر ماندگار در زمینه های مختلف فقهی، اخلاقی و اجتماعی به ما رسیده است. شایسته است که به ذکر چند نمونه که بیشتر در منابع اهل سنّت است، اشاره کنیم؛ امید است که این جملات نورانی مشعلهای فروزانی باشند در دهکده ظلمانی جهان امروز و چراغ هایی در کوره راه های دشوار زندگي.
1. مَنِ اسْتَغْنی بِاللّهِ افْتَقَرَ النّاسُ اِلَیْهِ، وَ مَنِ اتَّقیَ اللّهَ اَحَبَّهُ النّاسُ؛ کسی که با اتکاء به خدا، روی نیاز از مردم بگرداند، مردم به او نیازمند می شوند. و کسی که پرهیزکاری پیشه سازد، محبوب مردمان می گردد. 21
2. حَسْبُ الْمَرْءِ مِنْ کَمالِ الْمُرُوَّةِ اَنْ لا یَلْقی اَحَداً بِما یَکْرَهُ؛ کمال مروّت آن است که انسان با هیچ کس چنان رفتار نکند که برخودش نمی پسندد. 22
3. مَنِ اسْتَحْسَنَ قَبیحاً کانَ شَریکاً فیهِ؛ آنکه کار زشتی را نیکو شمارد، در آن کار شریک است. 23
4. مَنْ وَعَظَ اَخاهُ سِرّاً فَقَدْ زانَهُ وَ مَنْ وَعَظَهُ عَلانِیَةً فَقَدْ شانَهُ؛ کسی که برادر مؤمن خود را پنهانی پند دهد، او را آراسته، و کسی که آشکارا و در حضور دیگران نصیحت کند، چهره اجتماعی او را زشت ساخته است. 24
5. عُنوانُ صَحیفَةِ الْمُسْلِمِ حُسْنُ خُلْقِهِ؛ سرآغاز نامه عمل مسلمان در قیامت، نیک خُلقی اوست. 25
6. مَنْ وَثِقَ بِاللّهِ وَ تَوَکَّلَ عَلَی اللّهِ نَجاهُ اللّهُ مِنْ کُلِّ سُوءٍ وَ حَرَزَ مِنْ کُلِّ عَدُوٍّ؛ هرکس به خدا اعتماد داشته باشد و بر او توکلّ کند، خدا او را از هر بدی نجات می بخشد و از هر دشمنی حفظ می کند. 26
7. اَلْکَمالُ فِی الْعَقْلِ؛ کمال آدمی در خردمندی است. 27

8. اَلْعامِلُ بِالظُّلْمِ وَالْمُعینُ عَلَیْهِ وَالرّاضی شُرَکاء؛ ستمکار و یاری کننده ستمکار و کسی که به ستم او راضی است، همه در گناه آن شریکند. 28

9. یَوْمُ الْعَدْلِ عَلَی الظّالِمِ اَشَدُّ مِنْ یَوْمِ الْجَوْرِ عَلَی الْمَظْلُومِ؛ روز دادخواهی و عدالت بر ستمگر سخت تر از روز ستم بر ستمدیده است. 29

10. ثَلاثٌ یُبَلِّغْنَ بِالْعَبْدِ رِضْوانَ اللّهِ تعالي: کَثْرَةُ اْلاِسْتِغْفارِ وَ لینُ الْجانِبِ وَ کَثْرَةُ الصَّدَقَةِ وَ ثَلاثٌ مَنْ کُنَّ فیهِ لَمْ یَنْدَمْ: تَرْکُ الْعَجَلَةِ وَالْمَشْوَرَةُ وَالتَّوَکُّلُ عَلَی اللّهِ عِنْدَ الْعَزْمِ؛ سه چیز انسان را به خشنودی خدا می رساند: بسیار آمرزش خواستن از خدا؛ نرم خویی با مردم؛ و بسیار صدقه دادن.

و سه خصلت است که در هر کس باشد، پشیمان نمی شود: شتاب نکردن در کارها؛ مشورت در کارها؛ توکّل بر خدا هنگامی که بر انجام کاری تصمیم می گیرد. 30

11. اَلْعِفافُ زینَةُ الْفَقْرِ، وَالشُّکْرُ زینَةُ الْغِنی، وَالصَّبْرُ زینَةُ الْبَلاءِ، وَالتَّواضُعُ زینَةُ الْحَسَبِ، وَالفَصاحَةُ زینَةُ الْکَلامِ، وَالْحِفْظُ زینَةُ الرِّوایَةِ، وَخَفْضُ الْجَناحِ زینَةُ الْعِلْمِ، وَحُسْنُ الاَدَبِ زینَةُ الْعَقْلِ، وَبَسْطُ الْوَجْهِ زینَةُ الْکَرَمِ، وَ تَرْکُ المَنِّ زینَةُ الْمَعْرُوفِ، وَالْخُشُوعُ زینَةُ الصَّلوةِ، وَ تَرْکُ مالا یَعْنی زینَةُ الْوَرَعِ؛ پارسایی زینت فقر، شکر زینت توانگری، شکیبایی زینت بلا، فروتنی زینت شأن و بزرگی، گویایی زینت سخن، نگهداری و ضبط دقیق زینت روایت، تواضع زینت دانش، ادب زینت خرد، گشاده رویی زینت کرم و بخشندگی، منّت ننهادن زینت احسان و نیکی، توجّه و حضور قلب زینت نماز، ترک کارهای بیهوده زینت تقوا و پرهیزکاری است. 31

12. کَیْفَ یَضیعُ مَنِ اللّهُ کافِلُهُ، وَ کَیْفَ یَنْجُو مَنِ اللّهُ طالِبُهُ؛ چگونه ممکن است کسی که خدا سرپرست اوست، تباه شود؛ و چگونه ممکن است کسی که خدا در تعقیب اوست، رهایی یابد؟32

13. عِزُّالْمُؤْمِنُ غِناهُ عَنِ النّاسِ؛33 عزّت مؤمن در بی نیازی از مردم است.

14. اَلْعُلَماءُ غُرَباءٌ لِکِثْرَةِ الْجُهّالِ بَیْنَهُمْ؛34 علما با زیاد بودن جاهلان، غریبند.

پی نوشت ها :

1. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ص 471، به نقل از: اصول کافی، ج 1، ص 452؛ الارشاد، ص 297؛ التهذیب، ج 6، ص 90؛ مسار الشیعه، ص 7؛ کشف الغمّه، ج 2، ص 343؛ المناقب، ابن شهرآشوب، ج 4، ص .379

2. «ماریّه قبطیه» کنیزی بود که به همسری رسول خدا (ص) در آمد. از وی ابراهیم فرزند پیامبر به دنیا آمد که در کودکی چشم از جهان فروبست.

3. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص 472، به نقل از: فرق الشیعه، ص .100

4. اصول کافی، ج 1، ص 497؛ التهذیب، ج 6، ص .90

5. اعلام الهدایة، مجمع جهانی اهل بیت، ج 11، ص 28، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 151 و 152؛ مناقب، ج 4، ص .394

6. اعلام الهدایه، ج 11؛ ص 52، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 27 ـ .29

7. همان؛ به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص .31

8. اصول کافی، ج 1، ص 353؛ بحارالانوار، ج 50، ص .68

9. مطالب السّؤول، ابن طلحه شافعی، ص 239؛ الفصول المهمّه، ص 252.
10. الوافی بالوفیات، ج 4، ص 105.
11. الفصول المهمّه، ص 251.
12. الاتحاف بحبّ الاشراف، ص 168.
13. اعلام الهدایه، ج 11، ص 39، به نقل از حیاة الامام محمد الجواد (ع) ، ص 67.
14. همان، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 220.
15. همان، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 222.
16. همان، ص 41، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 212.
17. همان، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 214 و 215.
18. همان، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 218.
19. رجال شیخ طوسی، ص 397 ـ 409.
20. اعلام الهدایه، ج 11، ص 198 ـ 209؛ ر. ک: رجال کشّی، طبع مشهد، ص 275، 502، 503، 548، 550، 551 و 552؛ رجال نجاشی، ص 149، 190 و 253؛ حیاة الامام محمد الجواد (ع) ، ص 139، 141، 156، 159 و 164؛ رجال شیخ طوسی، ص 405؛ فهرست شیخ طوسی، ص 58؛ جامع الرّواة، ج 1، ص 554.
21 ـ 26. نورالابصار، شبلنجی، ص 180 و 181.
27 ـ 32. الفصول المهمّه، ص 289 ـ 291.
33. اعلام الهدایه، ج 11، ص 240، به نقل از بحارالانوار، ج 75، ص 109
34. همان، ص 243.